

بررسی اشعار آیینی موسوی گرمارودی بر پایه شاخص‌های ادب غنایی

رضا صادقی شهرپر، حجت‌الله غ منیری^۱، شبینم کریم‌شاھی ملایری^۲

چکیده

شعر آیینی به دلیل غلبه احساسات و اعتقادات قلبی شاعر، یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادب غنایی است. موسوی گرمارودی از شاعران آیینی معاصر است که سیمای معصومین^۳ و واقعی زندگی ایشان را با زبانی غنایی و هنری در شعرش توصیف کرده و از آن متأثر شده است. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین شاخص‌های غنایی اشعار آیینی علی موسوی گرمارودی صورت گرفته و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که: شاخصه‌های ادب غنایی در شعر آیینی گرمارودی، در دو حوزه محتواهی و صوری کدامند و چگونه بازتاب یافته‌اند؟ نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های محتواهی به صورت مرثیه، مولودی، وصف سیما و حالات امامان، شکوه و شکایت، مناجات، مدح و ثنا بازتاب یافته است. در بُعد صوری و زبانی هم استفاده از جمله‌های پرسشی و تعجبی با اغراض خاص، اوزان جویباری و سنگین، تشبیه، استعاره، موسیقی کلام و واژگان و تعبیرات لطیف و غنایی، مهم‌ترین شاخصه‌های غنایی اشعار گرمارودی هستند.

واژه‌های کلیدی: موسوی گرمارودی، شعر آیینی، ادب غنایی، محتواهی و صوری.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. (نویسنده مسئول) r.s.shahpar@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، همدان. hojatolah.ghmoniri@iau.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان. shabnam.karimshahi@gmail.com

۱. مقدمه

شعرآیینی یکی از گونه‌های ادب غنایی است که عواطف اعتقادی و احساسات و اندیشه‌های دینی و مذهبی شاعر در آن غلبه دارد و با زبانی هنری، شاعرانه و غنایی بیان می‌شود. ادب غنایی دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و مضامین و موضوعات مختلف و متعددی را شامل می‌شود. از اشعار عاشقانه که بگذریم، شعرهای عرفانی، مدیحه، مرثیه، شکوئیه، حبسیه، فراق نامه، ساقی نامه و بسیاری دیگر، محتوای شعر غنایی را تشکیل می‌دهند. بدین‌گونه، اشعار دینی و مذهبی، مدح‌ها و مرثیه‌های مذهبی و مواردی از این دست که تحت عنوان «شعرآیینی» می‌آید نیز جزء ادبیات غنایی است.

شعرآیینی عنوانی است که در دهه‌های اخیر بر زبان شاعران و پژوهشگران جاری شده است؛ همان شعر فراخ بال دینی که بسیاری از موضوعات و مفاهیم دینی، محور سرایش آن است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸). ویژگی اصلی این‌گونه اشعار، غلبه عواطف و احساسات بدیع و لطیف شاعرانه در بیان مضامین و موضوعات آیینی و دینی است که آن‌ها را به یکی از برجسته‌ترین گونه‌های ادب غنایی تبدیل می‌کند. با توجه به اینکه شعرآیینی جزء ادب غنایی است، در این مقاله در صدد مشخص کردن و تبیین شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی علی موسوی گرمابودی هستیم. این ویژگی‌ها و شاخص‌ها بنا بر یک تقسیم‌بندی، شامل ویژگی‌های محتوایی و صوری (شکلی) هستند. ویژگی‌ها و شاخص‌های محتوایی عبارتند از: احساسی و عاطفی بودن، عاشقانه و عارفانه بودن، داشتن دید منفی به روزگار، فضای غم‌آلودداشتن، توصیفی بودن، توجه کردن به خصوصیات اخلاقی انسان و درون‌گرایی. شاخص‌های صوری هم از این قرارند: لطافت و نرمی زبان و بیان، تراحم تصویر و صورخیال، به کارگیری کلمات و ترکیبات و تعبیرات و تصاویر لطیف و نرم، غنای

موسیقایی کلام، بهره‌گیری زیاد از استعاره و تشبیه، بالابودن بسامد صوت‌های بلند و کشیده، استفاده از عناصر انتزاعی، گروه‌های اسمی، جملات سؤالی بدون درخواست جواب (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۱-۱. بیان مسئله پژوهش

گرایش شاعران در صد سال اخیر به سروden شعر آیینی به مراتب بیشتر شده است. به‌گونه‌ای که بسیاری از شاعران معاصر، شیوه اصلی شعری شان، آیینی است و برخی هم در کنار سایر اشعار، بیش و کم دیوان خود را به این گونه از شعر مزین کرده‌اند. علی موسوی گرمارودی از شاعرانی است که به دلیل علايق دینی و مذهبی، چند مجموعه شعر آیینی درباره پیامبر و امامان شیعه دارد. گستره این پژوهش، اشعار آیینی منتشرشده از موسوی گرمارودی در کتاب گوشواره عرش و مجموعه کامل اشعار آیینی است. این پژوهش، اشعار آیینی گرمارودی را از منظر شاخص‌های ادب غنایی در دو حوزه محتوایی و صوری، بررسی کرده و نشان داده است که این اشعار در هر دو حوزه مطرح شده دارای غنا و برجستگی‌اند.

۲-۱. ضرورت، هدف و پرسش پژوهش

این پژوهش می‌تواند زمینه و فضای تازه‌ای برای محققان آشکار کند و در فراهم‌ساختن زمینه بهتر خلق و نشر سروده‌های آیینی شاعران و توجه به منظر مورد مطالعه در این پژوهش، یعنی شاخص‌های ادب غنایی، نقش داشته و مفید باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی شاخص‌های غنایی در اشعار آیینی موسوی گرمارودی به شیوه توصیفی تحلیلی است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از اینکه شاخص‌های ادب غنایی در شعر آیینی گرمارودی، در دو حوزه محتوایی و صوری کدامند و چگونه بازتاب یافته‌اند؟

۳-۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ اشعار علی موسوی گرما رو دی پژوهش‌های متعددی انجام شده است و برخی از آن‌ها از این قرارند:

- ۱) رزمجوبی (۱۳۹۲) شعر عاشورایی موسوی گرما رو دی را تحلیل و بررسی کرده و نشان داده است که شاعر بر شخصیت‌سازی و شخصیت‌پردازی همت گماشته و نگاهی فلسفی به حادثه عاشورا دارد؛ ۲) سلیمانی نژاد مهرآبادی و سیف (۱۳۹۵) گونه‌های مختلف اسطوره را در شعر موسوی گرما رو دی بررسی و تحلیل کردن و نشان دادند که گرما رو دی برای تبیین و بر جسته کردن مفاهیم معاصر، از اسطوره‌ها به ویژه اساطیر ملی و مذهبی استفاده کرده است؛ ۳) کوهسار و باطنی (۱۳۹۵) مضامین حبسیه را در شعر موسوی گرما رو دی بررسی کرده و نشان داده‌اند که زندان در شکل‌گیری مضامین، دیدگاه‌های سیاسی، طرز نگاه شاعر به زندگی، تعهد به انقلاب و ... تأثیرگذار بوده است؛ ۴) حیدری و مشفقی (۱۳۹۰) باستان‌گرایی در شعر موسوی گرما رو دی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که شاعر در بسیاری از اشعارش از زبان و واژگان کهن برای بیان اندیشه‌ها و مضامین تازه بهره برده است؛ ۵) بهمنی مطلق و همکاران (۱۳۹۱) روش قصیده‌پردازی موسوی گرما رو دی را بررسی و تحلیل کردن و نشان دادند که شاعر کاملاً با قالب قصیده آشنا بوده و در سرایش قصاید خود از انواع شکردهای بیانی، ایهام و جناس استفاده کرده است؛ ۶) کمالی نهاد (۱۳۹۹) در پژوهشی فضاسازی شاعرانه را در اشعار موسوی گرما رو دی بررسی کرده و نشان داده که مهم‌ترین دلیل پویایی، طراوت و اثرگذری اشعار گرما رو دی، فضاسازی گوناگون و متنوع است؛ ۷) دهرامی و کمالی نهاد (۱۳۹۴) شیوه‌ها و موانع انتقال احساس شاعرانه را در شعر موسوی گرما رو دی تحلیل کردن و نشان دادند که شاعر با بهره‌گیری از شکردهای بلاغی، موفق به انتقال حسن شاعرانه شده است؛ ۸) کمالی نهاد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی اخوانیات موسوی

گرمارودی را از منظر فضاسازی شعری بررسی و تحلیل کردند و نشان دادند که مدح و ستایش مهم‌ترین موضوع و عامل انسجام اخوانیات گرمارودی است.

با وجود پژوهش‌های متعدد، تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع شاخص‌های ادب غنایی در اشعار آیینی موسوی گرمارودی انجام نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر، از تازگی، ضرورت و اهمیت برخوردار است.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. مبانی نظری پژوهش

ادب غنایی، یکی از گونه‌های مهم ادبیات جهان است. واژه غنایی اصطلاحی عام و فراگیر است که اشکال گوناگونی از شعر در آن جای می‌گیرد. به گفته هگل، شعر غنایی عبارت از بیان ذهنیت و فردیت است. در بسیاری از تعاریف، بر وجود فردیت، ذهنیت و درونگرایی شعر غنایی تأکید شده است. در شعر غنایی، شاعر احساسات فردی پرشور و نیرومند خود را به گونه‌ای صمیمی و اصیل آشکار می‌کند (بروسترن، ۱۳۹۵: ۱۰-۱۳).

«شعر غنایی سخن‌گفتن از احساس شخصی است. به شرط اینکه از دو کلمه "احساس" و "شخصی" وسیع‌ترین مفاهیم آن‌ها را در نظر بگیریم؛ یعنی تمام انواع احساسات، از نرم‌ترین احساسات تا درشت‌ترین آن‌ها با همه واقعیاتی که وجود دارد. احساس شخصی بدان معنی که خواه از روح شاعر مایه گرفته باشد و خواه از احساس او، به اعتبار اینکه شاعر فردی است از اجتماع، روح او نیز در برابر بسیاری از مسائل با تمام جامعه اشتراک موضع دارد» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۲).

این گونه ادبی، در یونان باستان به اشعاری کوتاه گفته می‌شد که با همراهی سازی

به نام «لیر» خوانده می‌شد. از این‌رو، در زبان‌های فرنگی به اشعار غنایی، لیریک (lyric) می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۱۹). از طرف دیگر، باید توجه داشت که غنا در لغت به معنی سرود، نغمه و آواز خوش طرب انگیز است. شعر غنایی هم به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد و در برگیرنده عشق و دوستی و رنج‌ها و نامرادی‌ها و هرچه روح آدمی را متأثر می‌کند (رمجو، ۱۳۷۰: ۸۳).

در شعر فارسی، وسیع‌ترین افق معنوی، افق شعرهای غنایی است. موضوعی که در ادب فارسی حوزهٔ شعر غنایی را تشکیل می‌دهد، تقریباً تمام موضوعات رایج است، به جز شعر حماسی و شعر تعلیمی. حتی داستان‌های منظوم ادب پارسی، همه در مقولهٔ شعر غنایی قرار می‌گیرند و در یک نگاه اجمالی، شعرهای عاشقانه، فلسفی، عرفانی، مذهبی، هجتو، مدح و وصف طبیعت همگی مصادیق شعر غنایی هستند (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۱۳).

شعرآیینی که سرشار از عواطف و احساسات شاعر و اظهار عشق و دوستی به امامان و اهل‌بیت^{۱۶} است، در زمرة شعر غنایی قرار می‌گیرد. شعر آیینی و دینی «به‌گونه‌ای از ادبیات متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنوی و محتوایی صبغه دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد» (اکرمی و خاکپور، ۱۳۹۰: ۳۸) و در آیین‌ها و محافل دینی مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، وفات و روزها و مناسبت‌های برجسته مذهبی مانند غدیر، بعثت، عرفه و در توصیفی دقیق‌تر، در مجالس سوگ و سور مذهبی به کار می‌رود (سنگری، ۱۳۹۵: ۱۶). شعر آیینی به اشعاری گفته می‌شود که به نوعی با زندگی پیامبر^(ص) و سیره امامان و معصومین مرتبط است و جنبهٔ دینی و مذهبی دارد و خود به بخش‌های مختلفی چون مناجات، شعر ولایی، شعر رضوی، مولودیه، مرثیه و ... تقسیم می‌شود.

سید علی موسوی گمارودی از جمله شاعران معاصر است که به سرودن اشعار آیینی شهرت دارد. گمارودی در فوریه ۱۳۶۰ در قم به دنیا آمد. پدرش از بزرگان و

روحانیان گرما رو دی الموت بود. وی آموزش های مقدماتی رانزد پدرش، سید محمد علی و مدتی نیز در مشهد و قم علوم دینی آموخت. در رشته حقوق لیسانس گرفت و سپس کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران خواند. او در همه قالب های شعری از قدیم ترین تا جدید ترین آن ها یعنی از قصیده تا شعر سپید طبع آزمایی کرده است و اشعارش رنگ و بوی انقلابی و آیینی دارند (بیات کوهسار و باطنی، ۱۳۹۵: ۱۱۲ و ۱۱۳). مهم ترین آثار شعری او عبارتند از: عبور در سایه سار نخل ولایت، سرود رگبار، چمن لاله، در فصل مردن سرخ، خط خون، باران اخم، ما کجا آن خوب آن زیبا کجا، دست چین، تا ناکجا (پروین زاده، ۱۳۸۱: ۲۰ - ۲۴). او ارادت خاص خود را به مولای متقیان، امام حسین^(۴) و دیگر ائمه معصومین^(۴) در مجموعه در سایه سار نخل ولایت نشان داده است.

ویژگی ها و شاخص های محتوا یی و صوری ادب غنایی در اشعار آیینی موسوی گرما رو دی، موضوع پژوهش حاضر است. شاخص های محتوا یی شامل مولودیه، مرثیه، فضای غم آلود اشعار، گله از جفاهای در حق اهل بیت^(۴) و ... می شود و شاخص های صوری و زبانی هم مباحثی چون استفاده از اوزان نرم و کشیده، واژه آرایی، جملات پرسشی و تعجبی، تشبیه، استعاره، کنایه و واژه ها و ترکیبات غنایی را دربر می گیرد. در ادامه به بررسی و تبیین آن ها پرداخته می شود.

۲-۲. شاخص های محتوا یی

محتوا یی اشعار غنایی در ادبیات فارسی با اروپا تا حدودی متفاوت است. به گونه ای که در اروپا اشعاری با محتوا یی «مرثیه یا سوگ نامه، عروسی نامه، ترانه، چکامه، چهارپاره پیوسته» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۰: ۲۲) جزء ادب غنایی محسوب می شوند؛ در حالی که در ادبیات فارسی اشعاری با محتوا یی «مدح، هجو، عرفان، فخر نامه، سوگند نامه، شکایت، نگرانی، خمریه، حبسیه، اخوانیات، اشعار سرگرم کننده و تفننی (لغز، معما،

ماده تاریخ و چیستان)، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت، وصف شهرها، وصف اطلال و دمن، وصف اسب و شتر و ... غنایی‌اند» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۶۶). بسیاری از این مضامین و موضوعات در اشعار آیینی بازتاب دارند و اشعار آیینی گرمارودی نیز علاوه بر مضامین اصلی که ستایش خداوند و مدح و رثای معصومین است، محتواهای غنایی دیگری نیز دارد که برجسته‌ترین آن‌ها عبارتند از فضای غم‌آلود، شکوه و شکایت، دید منفی به روزگار، وصفی بودن و

۱-۲-۲. مناجات نامه (راز و نیاز با خداوند)

حمد و ستایش خداوند و ابراز بندگی، آغاز بخش اکثر متون ادب فارسی است. به این صورت که «با حمد و ستایش الهی آغاز می‌گردد و پس از آن، نیاز بندگان و در پایان، خواهش‌های روحانی و عرفانی مطرح می‌شود» (رشیدی گمین و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۹). موسوی گرمارودی نُه قطعه شعر در حمد و ستایش معبد دارد که علاوه بر ستایش خداوند و مناجات، از بندگی و عبودیت خود، خواهش‌های مادی و معنوی، مناجات و ... سخن گفته است. چنان‌که شاعر ضمن ستایش قدرت پروردگار، عجز و بندگی خود را نشان داده است:

ای نهاده به دست بسته چرخ
چون به پای زمانه صد پابند

در زبان خموش گیتی و دهر
بخردان را نهاده صدھا پند

ای تو سروازه کلام وجود
وز پی تو دگر همه پسوند

وی پسندیده در همه خود را
در من ذرّه هم جز این مپسند

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۶۳)

گرماروودی در شعر «سخنی در عشق»، در قالب مناجات، ضمن ستایش خداوند و آثار صنع او، ابراز بندگی کرده و درخواست رهایی از نفس و منیت دارد:

الهی، جان من توحیدگر کن
مرا زین شرک «من» زیر و زبر کن
بخیزانم چو موج و رفعت اوج
بغلتانم به شادی، موج در موج
مخواهم ایستا، مرداب واره
چو درماندم به راه آور دوباره
دلم از عشق خود آینه‌گون کن
تب عشق و جنونم را فزون کن

(همان: ۶۷)

۲-۲-۲. مرثیه‌سرایی

مرثیه و مرثیه‌سرایی از مضامین مهم در ادب غنایی است؛

«مرثیه شعری است که درباره آلام و مصائب فردی یا جمعی سروده شود. رثا ریشه در غم و اندوه دارد و اشعاری است که در ماتم گذشتگان و تعزیت خویشاوندان و یاران و اظهار تأسف بر مرگ پادشاهان و صدور و اعیان و سران قوم و ذکر مصائب پیشوایان دین و ائمه اطهار، مخصوصاً حضرت سیدالشهادا^۴ و شمردن مناقب و فضائل و مکارم و تجلیل مقام و منزلت شخص متوفی و دعوت ماتم زدگان به صبر و سکون و معانی دیگری از این قبیل، سروده شده است» (مؤتمن، ۱۳۹۴: ۲۷).

مرثیه‌سرایی به ویژه مرثیه اطهار، از مضامین پرپیامد اشعار آیینی موسوی گرماروودی است، چنان‌که در مرثیه امام علی^۴ و واقعه کربلا سنگ تمام

گذاشته است. وی در ترکیب‌بندی عاشورایی با نام «آغاز روشنایی آینه» در پانزده بند، درباره حوادث کربلا مرثیه‌سرایی کرده است:

می‌گریم از غمی که فزون‌تر ز عالم است
گر نعره برکشم ز گلوی فلک، کم است
پندارم آنکه پشت فلک نیز خم شود
زین غم که پشت عاطفه زان تا ابد خم است
یک نیزه از فراز حقیقت فراتر است
آن سر که در تلاوت آیات محکم است

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۹۱)

گرمارودی در شعر دیگر، ضمنن ستایش عظمت و بزرگی حضرت علی^(۴)، اشعاری در رثای آن حضرت سروده و عشق و علاقه خود را ابراز کرده است:

دلم از انفجار عشق خون است
علی جان مهرت از ظرفم فزون است
دلم از چاه کمتر نیست، گاهی
نواز این قعر ژرفا را به آهی

(همان: ۱۳۵)

۳-۲-۲. جشن‌های مذهبی

بزرگ داشت و یادآوری رویدادهای مختلف چون تولد پیشوایان، اعیاد و روزهای خاص دیگر، در همه مذاهب و دین‌ها جشن گرفته می‌شود (روح‌الامینی، ۱۳۷۸: ۱۵). موسوی گرمارودی در اشعار آینی خود به برخی از این مناسبت‌ها پرداخته است

و اشعار مولودی و شادی در وصف آنها سروده که شعر «میلاد آفتاب» درباره تولد حضرت امام علی^(ع) است:

آثار شعف از چه زهر سوی عیان است
وندر طرب از بهر چه ذرات جهان است
نی بر لب مطرف ز چه دائم به فغان است
دهر کهن از بهر چه خندان و جوان است
گویا که دگر بارز راه آمده آذر...

(موسوی گرما رو دی، ۱۳۸۸: ۱۵۰ و ۱۵۱)

۴-۲-۲. فضای غم‌آسود

غلبه حس غم بر شادی از مؤلفه های محتوایی مهم در اکثر آثار ادب غنایی فارسی بوده (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۲۵) که در اشعار آیینی موسوی گرما رو دی فضایی غمگینانه پدید آورده است. برای نمونه، شاعر فضای غمگین سخن گفتن حضرت علی^(ع) را با چاه در شعر خود آورده است:

تنها سر چاه می‌روم گاه به گاه
سر می‌نهم اندوه‌گنان بر سر چاه

می‌گریم و با یاد غمت می‌گوییم:

لا حول و لا قوه الا بالله

(موسوی گرما رو دی، ۱۳۸۸: ۱۴۱)

شاعر فضای غمگین و دردناک کربلا را هنگام شهادت حضرت ابوالفضل^(ع) توصیف

کرده که واژه‌ها، تشبیهات و استعاره‌ها بیانگر حس غم و فضایی غمگین است:

کنار علقمه در خاک و آفتاب عطش// میان سلسله نخل‌های تاریخی// درون بستر
شن، کاشت بازوانش را// و دست‌هایش// -که دست‌های زمین بود-// بار آسمان داد
... (همان: ۲۱۶)

موسوی گرمارودی ترکیب‌بند «از گلوی غمگین فرات» را در رثای امام حسین^(۴) و
واقعه کربلا سروده و فضای غمگین و دردناک دشت کربلا و حوادث تاسوعا و عاشورا
را با واژگان و تعبیرات غنایی غمناک تبیین کرده است:

می‌گریم از غمی که فزون ترز عالم است
گر نعره برکشم ز گلوی فلك کم است
پندارم آنکه پشت فلك نیز خم شود
زین غم که پشت عاطفه زان تا بد خم است

(همان: ۱۹۱)

۲-۵. دید منفی نسبت به روزگار

جهان، طبیعت و روزگار در آثار غنایی ادبیات فارسی، معمولاً جایگاهی منفی دارند. چنان‌که دنیا با صفاتی چون بی‌وفایی، ناپایداری، پلیدی و غم‌آفرینی توصیف شده است (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۹). این ویژگی ادب غنایی، در آثار آیینی نیز به دلیل غلبه فضای غمگینانه و یأس و نامیدی بازتاب دارد. موسوی گرمارودی بارها با نامیدی از حوادث و اتفاقاتی که زمانه و روزگار رقم زدند، شکوه و شکایت کرده و دیدی منفی نسبت به آن دارد. چنان‌که حوادث زندگی حضرت علی^(۴) را روایت کرده، از بازی روزگار نالیده و از زمانه شکوه و شکایت کرده است:

بشکست ز آب دیدگانت تب چاه

صدھاله غم گرفت گرد رخ ماه

از بازی روزگار باید نالید

الله از این زمانه الله الله

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

گرمارودی در جایی دیگر، وقتی زندگی حضرت علی^(۴) و فشارها و رنج‌های وی را توصیف نمود، از زمانه و روزگار شکایت و آن‌ها را لعن و نفرین کرده است:

سیه بادا ستم را روی ناپاک

زمان را، روزگاران را به سر خاک

زمان! خاکت به سر بادا شب و روز

تو بودی و علی را دل پراز سوز

(همان: ۱۳۳)

۶-۲-۶. رویکرد توصیفی

بشر از دیرباز به صورت فطری و غریزی، علاقه‌مند به توصیف عناصر و زیبایی‌های جهان وجود و شرح وقایع و مناظر دلکش یا سهمگین بوده است (صورتگر، ۱۳۴۷: ۳). این ویژگی به شعر نیز سرایت کرده و از مضماین اصلی در شعر، به ویژه در شعر غنایی، وصف شده است (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۹). وصف در اکثر اشعار آیینی موسوی گرمارودی بسامد دارد. توصیف‌های گرمارودی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: توصیف بهار در آغاز اشعار آیینی و توصیف شخصیت معصومین در میانه سروده‌های آیینی. چنان‌که شاعر بهار را در آغاز شعر بزرگ داشت می‌لاد خجسته امام حسن عسگری^(۴) توصیف

کرده و این توصیف با بهره‌گیری از استعارات و تشیبهات لطیف و زیبا برای مخاطب تصویرنگاری شده است، از جمله، دو چشم گل استعاره تشخیص؛ آهوی خواب اضافه تشییه‌ی؛ خیمه‌زدن چمن بر دمن استعاره؛ خون به چهر لاله و گل افتادن استعاره از قرمزشدن و ...:

درخشید بار دگر آفتاب
رمید از دو چشم گل، آهوی خواب
چمن بر دمن خیمه زد سبزگون
به چهر گل و لاله افتاد خون
به دامان کھسار از خاک و سنگ
برویید صد بوته رنگ رنگ

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۷۹)

موسوی گرمارودی علاوه بر توصیف طبیعت، نوع دیگری از توصیف را در اشعار آیینی خود آورده که در خدمت ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی پیامبر^(ص) و امامان معصوم^(ع) است؛ توصیفی که سرشار از استعارات و تشیبهات لطیف و زیبای پی‌درپی است. چنان‌که شاعر ویژگی‌های ظاهری و اخلاقی امام علی^(ع) را با تشیبهات و استعارات غنایی زیبا وصف کرده است:

شب، از چشم تو آرامش را به وام دارد// و طوفان، از خشم تو، خروش را// کلام تو
گیاه را بارور می‌کند// و از نفست گل می‌روید// چاه،// از آن زمان که تو در آن گریستی،//
جوشان است// سحر از سپیده چشمان تو می‌شکوفد// و شب در سیاهی آن به نماز
می‌ایستد// هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست// لبخند تو اجازه زندگی
است// هیچ شکوفه نیست که از تبار گلخند تو نیست (همان: ۱۲۳ و ۱۲۴)

زیباترین و ناب ترین توصیف های گرمارودی در شعر «خورشید پنهان» است که لحظه تولد حضرت مهدی (عج) را با زیباترین و لطیف ترین واژگان و تعبیرات غنایی وصف کرده و صنایع بیانی، به ویژه شبیه و استعاره در این بیت ها آمده است:

اینک خور از ره آمد و دردشت خاوران

زَّيْن سپاه پرتو خود بر پراکنید

تا چشم زخم کس نرساند بدوزیان

هر جاخور، این عروس دل افروز، می چمید

ابر سیاه دود ز اسپند می گرفت

وز پیش پیش در ره او تندر می دوید...

(همان: ۲۸۶ و ۲۸۷)

۳-۲. شاخص های صوری و زبانی

ادب غنایی شاخص های صوری متفاوتی با ادب حماسی و تعلیمی دارد و نیز در آن با کارکردهای متفاوتی از زبان روبه رو هستیم. چنان که «الفاظ چه از لحاظ آوازی و چه معنایی در پیوند با یکدیگر قرار دارند و آهنگ آن ها در القای حس مورد نظر شاعر نسبت به سایر اشعار، نقش بیشتری دارد. جملات از لحاظ صرفی و نحوی نسبت به حماسه روان تر و به هنگارتند و زبان به گونه ای است که می توان آن را با موسیقی و آواز قرین ساخت. کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر، نرم و لطیف و مناسب با فضای غنایی هستند» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵: ۲۰۰). اشعار آیینی موسوی گرمارودی از نظر شاخص های صوری ادب غنایی بسیار غنی اند؛ به گونه ای که می توان گفت این شاخص ها از برجستگی های شعر او محسوب می شوند.

۱-۳-۲. اوزان نرم و کشیده

شاعران در شعر غنایی بیشتر از اوزان کشیده و نرم که متناسب با فضای غنایی شعر -بزم یا غم- است، استفاده می‌کنند (همان: ۱۹۹). گرماродی نیز در شعر آیینی از این قاعده پیروی کرده است. وی معمولاً از اوزان آرام، روان و سنگین بهره برده؛ به گونه‌ای که سیزده بار از اوزان بحر رمل، نه بار از اوزان بحر هرج و نه بار از اوزان بحر مضارع استفاده کرده است و همه آن‌ها از اوزان سنگین، روان و جویباری به ویژه در حالت دوری و مشمن هستند. اشعار نیمایی و آزاد وی نیز اکثراً اشعاری سنگین و ملائم هستند؛ زیرا شاعر بیشتر از هجاهای بلند و مصاعع‌های طولانی در این گونه غنایی استفاده کرده و فضای شعر را سنگین و غمگین کرده است. شاعر پنج بار از اوزان بحر مجتث که وزنی است مناسب درد دل و گفت و گو، استفاده کرده است؛ اما دیگر اوزان در شعر آیینی گرماродی بسامد پایینی دارند.

۲-۳-۲. تشبیهات غنایی

کارکرد، نوع و بسامد تشبیه در بسیاری جهات، وابسته به نوع ادبی است. چنان‌که هرچه از متون حماسی فاصله گرفته و به متون غنایی نزدیک شده، به همان میزان نیز تشبیه لطیف‌تر و نرم‌تر خواهد شد؛ بنابراین، شاعران حوزه ادب غنایی از تشبیهاتی استفاده می‌کنند که تأثیر بیشتری در لطفت کلام و عواطف و احساسات آن‌ها داشته باشد. شعر آیینی موسوی گرماродی از تشبیهات غنایی آکنده است. چنان‌که می‌توان گفت، برجسته‌ترین عنصر غنایی در شعر شاعر هستند. اکثر این تشبیهات، حسی به حسی و بیش از هفتاد درصد آن‌ها از نوع تشبیه بلیغ یا مفصل مرسل هستند. شاعر سه تشبیه بلیغ خوش‌دل زهرا، دانه عشق و کشتزار امامت را در بیت زیر آورده که واژگان غنایی «دل و عشق»، حسی غنایی آفریده است:

زخوشة دل زهرا، نخست دانه عشق

به کشتزار امامت، فزون تراز خرمن

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۶۰)

شاعر تشبیه‌های غنایی بسیاری در توصیف شخصیت قاسم بن حسین^(۴) در بیت‌های زیر آورده است؛ چنان‌که برفروختگی چهره حضرت را به ماه، نورسیدگی آن را به گل سرخ، تازگی او را به بنفسه، سن پایینش را به میوه نارس، قد کوتاهش را به شمشیر ذوالفقار، حرارت صورتش را به بازتاب شعله، صورت گلگونش را سیب سرخ و چشمانش را به دو گوهر تشبیه کرده است:

آن چهر برفروخته ماه تمام بود

نورسته بود لیک چون گل سرخ فام بود

همچون بنفسه طبری ترد و تازه بود

چون میوه‌های نورس ناچیده خام بود

قدّش کمی ز قامت شمشیر بیشتر

گویی چو ذوالفقار علی در نیام بود

گرما اگرچه شعله کش اما به روی او

چون بازتاب شعله به روی رخام بود

چون سیب افتاده ز شاخ درون آب

غرق عرق دوگونه آن گل مدام بود

چشمان او دو گوهر تابان و بی قرار

درجست وجوی رخصت جنگ از امام بود

(همان: ۱۹۸ و ۱۹۹)

شاعر بار دیگر، تشبیه‌های غنایی پی‌درپی را در توصیف شخصیت حضرت علی‌اصغر^(۴) آورده است. چنان‌که علاوه بر غنایی‌بودن اکثر مشبه‌ها در این تشبیهات، حذف مشبه به قرینه لفظی است؛ به‌گونه‌ای که شاعر یک‌بار مشبه (حضرت علی‌اصغر^(۴)) را ذکر کرده و سپس چندین مشبه‌به را پی‌درپی آورده است:

چون موج روی دست پدر پیچ و تاب داشت
وز نازکی تنی به صفاتی حباب داشت
چون سوره‌های کوچک قرآن ظریف بود
هرچند او فضیلت ام‌الكتاب داشت
چون ساقه‌های تازه ریواس ترد بود
از تشنگی اگرچه بسی التهاب داشت
از بس که زلالی خود محو گشته بود
گویی خیال بود و تنی از سراب داشت

(همان: ۱۹۷)

۳-۳-۲. استعاره‌های غنایی

استعاره از صنایع بلاغی مهم در متون ادبی است که نوع و کارکرد آن، سبک شخصی شاعر را تعیین می‌کند و در بر جستگی نوع ادبی بسیار اهمیت دارد. ادب غنایی مهم‌ترین جلوه‌گاه استعاره در ادب فارسی است؛ بنابراین این شاخص در متون آیینی نیز بازتاب گسترشده‌ای دارد. موسوی گرمارودی این قاعده را رعایت کرده و در شعر آیینی از استعاره‌های غنایی و لطیف بهره برده است. شاید بتوان بر جسته‌ترین مؤلفهٔ صوری شعر آیینی گرمارودی را استعاره، به‌ویژه استعاره‌های طبیعت مانند انواع گل، بهار، خورشید، چشم و... دانست. شاعر، گل و انواع آن را استعاره از معصومین^(۴) دانسته و در توصیف اکثر آن‌ها به‌کار برده و استعاره‌هایی

غنایی و لطیفی خلق کرده است:

- سمن باغ خداوندگار استعاره از حضرت محمد^(ص):

ای سمن باغ خداوندگار

سروغلام قد نازوی توست

(همان: ۱۰۰)

- گل استعاره از حضرت علی اصغر^(ع):

خونش پدر به جانب افلک می‌فشدند

گویی به هدیه دادن آن گل شتاب داشت

(همان: ۱۹۸)

- غنچه استعاره از حضرت امام زمان^(عج):

همراه بوسه‌های زر آفتاب صبح

در بوستان سامرہ این غنچه بشکفید

(همان: ۲۸۷)

- غنچه، نوگل، منبع شرافت، و چشمۀ صفا استعاره از حضرت معصومه^(س):

ای غنچه طهارت و ای نوگل هدا

ای منبع شرافت و ای خورشید صفا

(همان: ۲۵۳)

خورشید همراه با واژگان غنایی دیگری چون گل، شرم، چشمۀ و ... در بسیاری از بیت‌ها به صورت استعاره‌هایی در وصف معصومین، به ویژه امام حسین^(ع) به کار

رفته است که بسامد بالایی دارد:

- گل خورشید استعاره از حضرت محمد^(ص):

کجایی، ای نگار آسمانی

گل خورشید عشق جاودانی

(همان: ۹۸)

- خورشید استعاره از امام سجاد^(ع):

آن روز خور به خیمه رخ خود نهفته بود

خورشید دیگری به دل خیمه خفته بود

(همان: ۲۰۴)

- چشمۀ خورشید و قمر استعاره از امام حسین^(ع):

دیروز ره به چشمۀ خورشید بسته بود

امشب چگونه روی به سوی قمر کند؟

(همان: ۱۹۳)

- فلق عصمت و خورشید شرم استعاره از حضرت زینب^(س):

ای فلق عصمت و خورشید شرم

ای دل خورشید ز روی تو گرم

(همان: ۲۲۵)

• خور استعاره از امام موسی کاظم^(۴):

این سپه از پیش// وز پی آن هودجی بر پشت یک استر// وندر آن همگون خورشید
پگاهان، یک خور دیگر// در غل و زنجیر (همان: ۲۵۲)

• آفتاب استعاره از امام رضا^(۴):

اگر فاصله خویشتن تا تورا// تنها بتوانیم دید// ای آفتاب// ما به سوی ذره مانده ایم!
(همان: ۲۵۷)

• خورشید استعاره از امام جواد^(۴):

در کنار تخت مأمون جایگاه برترین دانشور دینی// در دگر سو جای آن خورشید
کوچک، جای آن کودک (همان: ۲۶۹)

۴-۳-۲. کنایه های غنایی

کنایه ها مانند دیگر عناصر بیانی متناسب با فضای شعر تغییر می کنند. چنان که شعر
غنایی کنایه های نم و لطیفی دارد و شعر آینینی گرما رو دی هم از این قاعده پیروی می کند.
اگرچه حجم کنایه های شعر آینینی وی در مقابل استعاره و تشبيه ناچیز است. شاعر
لب ترکدن را در بیت زیر کنایه ای برای نوشیدن بسیار اندک آورده است:

گویی زخم مهر تو لب تر نکرده ایم

این باده را نخورد و باور نکرده ایم

(موسوی گرما رو دی، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

گرما رو دی به دلیل محتوا اشعارش که بیشتر درباره شهادت و مرگ بوده،
کنایه هایی نیز در این زمینه به کار برده است. چنان که «قالب تهی کردن» را کنایه از

مردن و نیز «آهسته می‌میرد» را کنایه از غروب آورده است:

اما// چون از این آمیخته خون و اشک// جامی به هر سیاه‌مست دهند// قالب تهی
خواهد کرد (همان: ۱۲۳)

و خورشید از پس یک روز تب// در بستر غرب افق، آهسته می‌میرد ... (همان: ۸۹)

شاعر در بند «کلاه از سر کودک عقل می‌افتد»، علاوه بر تشبیه «کودک عقل»، کلاه از سر کسی یا چیزی افتادن را کنایه از اوح شگفتی و تعجب آن شخص آورده است:
چندان تناوری و بلندی// که به هنگام تماشا// کلاه از سر کودک عقل می‌افتد
(همان: ۱۷۱)

۵-۳-۲. القای عاطفه غنایی با واج‌آرایی «الف» و «شین»

واجب‌های «الف» و «ش» از واج‌های پربسامد غنایی بوده و واج «الف» القای حس‌اندوه، آه و گاهی فریاد است و موسیقی شعر را برای تولید معنا و مفهوم تقویت می‌کند. همچنین واج «ش» از واج‌های سایشی بوده که بیشتر بیان شور و شعف و شادی یا خشم و برآشتن است (پارساپور، ۱۳۸۴: ۲۶۴-۲۷۲). این ویژگی در شعر آیینی موسوی گرم‌ارودی بسامد بالایی دارد. چنان‌که تکرار واج «الف» بیشتر القای حس‌غم و اندوه است. برای نمونه، شاعر در بیت زیر، با آوردن واژگان الف‌دار پی‌درپی در توصیف حضرت فاطمه^(س)، حس‌عظمت و بزرگی نسبت به آن حضرت وغم و اندوه نسبت به قدرناشناصی مردمان آن روزگار را نشان داده است:

چو موج از سفر ماهتاب می‌آید

از آب و آینه و آفتادب می‌آید

(موسوی گرم‌ارودی، ۱۳۸۸: ۱۰۹)

گرمارودی در شعر «ساقی حق»، لحظه رسیدن حضرت عباس^(۴) به آب فرات و آب ننوشیدن او را با واج آرایی «الف» توصیف کرده و تصویری همراه با حس غم و اندوه خلق کرده است:

آبی ز فرات تالب آورد

آه از دل آتشین براورد

(همان: ۲۱۲)

واج آرایی با واج «ش» از واج‌های مطرح در ادب غنایی و پر تکرار در شعر آیینی گرمارودی است. اگرچه نسبت به واج «الف» بسامد کمتری دارد؛ اما هم القاکننده حس غم و اندوه است و هم بیان حس شادی و شعف. برای نمونه شاعر در بیت زیر، حس غم و اندوه مصائبی را که در دشت کربلا بر حضرت زینب^(۵) گذشته، با واج آرایی «ش» نشان داده است:

یک دشت شقايق بهشتى

بر سينه ز داغ و درد كشتي

(همان: ۲۲۷)

همچنین در شعر «بهاری در خزان» که در توصیف تولد امام حسن عسکری^(۶) سروده، حس شور و شادی را نیز با این واج به تصویر کشیده است:

بنوش و بنوشان و منشین خموش

چنان مست شوتا برندت به دوش

(همان: ۲۸۱)

۶-۳-۲. واژه‌ها و ترکیبات غنایی

حجم بالای واژگان، ترکیب‌ها و تعبیرهای غنایی در شعر آیینی از لازمه‌های بیان حس غم و اندوه است که هم در شعر مধی و غمگین موسوی گرمارودی و هم در شعر مولودی و شاد وی برجستگی دارد. نمونه‌هایی که پیش‌تر آمد، مؤید این موضوع است. شاعر واژگان و تعبیرهای غنایی زیبا و لطیفی را که در سپاس و ستایش خداوند سروده، کنار هم آورده است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۶۵ و ۶۶). در جای دیگر بعثت پیامبر اسلام^(ص) را با واژگان و تعبیرهای عاشقانه و لطیف توصیف کرده است:

نخستین حرف دل، در دفتر عشق

امام عاشقان، پیغمبر عشق

چو عشق از خم نوشانوش می‌داد

خداساقی شد و جامی به وی داد

(همان: ۹۷)

۷-۳-۲. رویکرد غنایی با جمله‌های پرسشی بلاغی

پرسش معمولاً در ادب غنایی زیاد است؛ پرسش‌هایی که نیازی به جواب ندارند و از طرف شخص مقابل باشد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۱). این خصیصه در شعر آیینی موسوی گرمارودی بسامد بسیار بالایی دارد و از ویژگی‌های غنایی برجستهٔ شعر وی است. شاعر بارها سؤالات بدون پاسخی در اشعار خود مطرح کرده که معمولاً جنبهٔ بلاغی دارند و پاسخ آن‌ها روشن است. مانند پرسش بدون پاسخی که در مناجات با خدا مطرح کرده است:

گفتی مرا: بیا و ز بیراهه بازگرد

اینک منم که آمده‌ام، خانه‌ات کجاست؟

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۷۶)

و در جایی دیگر پرسش های پی در پی بدون پاسخ درباره زندگی حضرت علی^(۴) مطرح کرده که جنبه بلاغی دارند و استفهام تأکیدی یا تقریری است:

همو مگر به دل خانه برهه ای ننشست
به گردنش ز کف سفلگان فتاده رسن؟

نه آن به امر خدا بود و این به خاطر حق؟

و گزنه چون ز علی دست می توان بستن؟

(همان: ۱۶۱)

گرما رو دی چند پرسش بدون پاسخ درباره حضرت علی^(۴) در بیت های زیر آورده که جنبه بلاغی دارند و برای انکار و بیان تعجب و شگفتی نقل شده اند:

راستی، آیا علی از جنس ماست؟
در شگفتم عمق این دریا کجاست

چون ز وی باید سخن آغاز کرد؟

چون توان این راز حق را باز کرد؟

(همان: ۱۲۸)

۸-۳-۲. رویکرد غنایی با جمله های اظهاری و تعجبی بلاغی

گزینش نوع جملات بر محتوای شعر اثرگذار است. چنان که «شعر غنایی با جمله های اظهاری و تعجبی ... وابستگی دارد» (مشتاق مهر و با فکر، ۱۳۹۵: ۱۹۴). شعر آینینی گرما رو دی هم از این قاعده مستثنی نیست و شاعر شگفتی خود را در مواضع گوناگون با آوردن جملات اظهاری و تعجبی از رخداد یا موضوعی نشان داده است. شاعر تعجب و تأسف خود را از شرایطی که روزگار برای حضرت علی^(۴) فراهم کرده بود، در جمله ای تعجبی بیان کرده است:

سیه بادا ستم را روی ناپاک!

زمان را، روزگاران را به سر خاک

زمان، خاکت به سر بادا شب و روز!

تو بودی و علی را دل پر از سوز

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

گرمارودی در شعری دیگر با آوردن جمله‌های اظهاری و تعجبی از اینکه حضرت علی^(ع) با آن عظمت و بزرگی در کنار تنور پیروز نیا با کودکان یتیم در کوچه‌های کوفه حضور داشته، اظهار شکفتی کرده است:

چگونه این چنین که بلند بر زبر ماسوا ایستاده‌ای // در کنار تنور پیروز نی جای می‌گیری // وزیر مهمیز کودکانه بچگکان یتیم // و در بازار تنگ کوفه ...؟ (همان: ۱۲۲)

۳. نتیجه‌گیری

غلبه عاطفه و احساس مهم‌ترین عنصر غنایی شعر آیینی موسوی گرمارودی است که عمیق‌ترین و لطیف‌ترین احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد. بسیاری از شاخص‌های محتوایی و صوری ادب غنایی در شعر آیینی موسوی گرمارودی آمده است. چنان‌که در بُعد محتوایی، حس غم به دلیل پرداختن به مصائب معصومین^(ع) بر شوق و شادی غلبه دارد و فضایی غمگناه بر شعر آیینی وی سیطره پیدا کرده است. شاعر نسبت به شرایطی که برای معصومین به وجود آمده، متأسف است و از آن شکوه و شکایت دارد. مناجات و مرثیه‌سرایی از مضامین مهم شعروی است؛ شاعر در مناجات ضمن ستایش پروردگار، طلب آمرزش و رهایی دارد و در مرثیه‌های خود از مصائب ائمه اطهار به ویژه امام علی^(ع)، امام حسین^(ع) و حضرت زینب^(س) سخن گفته است. گرمارودی با وجود فضای غم‌آلود، از جشن‌های مذهبی غافل نبوده و در توصیف اعیاد و تولد

معصومین، اشعار و مولودی‌های شاد و طرب‌انگیز سروده است. وی بر توصیف تأکید دارد؛ چنان‌که توصیف طبیعت (بهار) در آغاز شعر و توصیف ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیت معصومین^(۴) در میانه اشعار آمده است. بسامد بالای استعارات و تشبيهات لطیف و غنایی مهم‌ترین وجه بعد صوری شعر گرمارودی است. چنان‌که انواع گل، غنچه، بهار و... که واژگانی غنایی و لطیف هستند، طرف تشبيه واقع شده است. شاعر معمولاً مشبه (که یکی از معصومین است) را آورده و مشبه‌های پی‌درپی ذکر کرده است که بیشتر واژگان و تعبیرهای غنایی هستند؛ اما کنایه‌ها اگرچه لطیف و نرم هستند، نسبت به استعاره و تشبيه بسامد کمتری دارند. در حوزه وزن عروضی هم شاعر از اوزان سنگین و جویباری بحر خفیف، رمل، مضارع و مجتث استفاده کرده و برای القای احساسات و عواطف خاص چون شادی و غم از مصوت‌های بلند «آ» و صامت «ش» بهره گرفته است. هم‌چنین استفاده از جمله‌های پرسشی، اظهاری و تعجبی با اغراض بلاغی خاص برای افاده معنای مورد نظر، شاخصه دیگری بوده که در اشعار او نمود یافته است.

منابع

۱. اکرمی، میرجلیل و محمد خاکپور (۱۳۹۰). «نقد و بررسی شعر نوآینی پیش از انقلاب اسلامی». *گوهر گویا*. س. ۵. ش. ۳. صص ۳۲-۵۶.
۲. بیات کوهسار، مهدی و فرهاد باطنی (۱۳۹۵). «مضامین حبسیه در اشعار سید علی موسوی گرما رو دی». *مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه*. دوره ۲. ش. ۳/۱. صص ۱۱۰-۱۲۱.
۳. بهمنی مطلق، حجت‌الله و یدالله بهمنی مطلق (۱۳۹۱). «نگاهی به قصیده‌پردازی علی موسوی گرما رو دی». *بهار ادب*. س. ۵. ش. ۲. صص ۵۵-۷۴.
۴. بروستر، اسکات (۱۳۹۵). *شعر غنایی*. ترجمه رحیم کوشش. تهران: سبزان.
۵. پارسیپور، زهرا (۱۳۸۳). *مقایسه زبان حماسی و غنایی*. تهران: دانشگاه تهران.
۶. پروین‌زاده، شهلا (۱۳۸۱). «کتاب‌شناسی سید علی موسوی گرما رو دی». *کیهان فرهنگی*. ش. ۱۹۳. صص ۲۰-۲۴.
۷. پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶). «انواع ادبی در شعر فارسی». *محله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم*. س. ۱. ش. ۳. صص ۷-۲۲.
۸. حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۰). «سخنی پیرامون ادبیات تعلیمی و غنایی». *تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. ش. ۸. صص ۱۵-۲۴.
۹. حیدری، فاطمه و آرش مشفقی (۱۳۹۰). «bastanگرایی در اشعار علی موسوی گرما رو دی». *کتاب ماه ادبیات*. ش. ۱۶۵. صص ۲۷-۳۱.
۱۰. دهرامی، مهدی و علی‌اکبر کمالی‌نهاد (۱۳۹۴). «احساس شاعرانه و شیوه‌ها و

- موانع انتقال آن در شعر انقلاب (مطالعه موردی: سوگ‌سروده‌های اجتماعی موسوی گرمارودی)». مجله‌ادیات انقلاب اسلامی. فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی. دوره اول. ش. ۲. صص ۹۵-۱۱۷.
۱۱. رزمجو، حسین (۱۳۷۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. تهران: آستان قدس رضوی.
۱۲. رزمجویی، حبیب‌الله (۱۳۹۲). «تحلیل و بررسی اشعار عاشورایی سید علی موسوی گرمارودی». فلسفه و کلام. ش. ۶۷ و ۶۸. صص ۲۱۱-۲۲۸.
۱۳. رشیدی‌گمین، کریم؛ پوران یوسفی‌پور کرمانی و هوشمند اسفندیارپور (۱۳۹۹). «ادب غنایی در اشعار شیخ کاظم سعیدی». مطالعات زبان و ادبیات غنایی. س. ۱۰. ش. ۳۶. صص ۳۱-۴۲.
۱۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۸). آینه‌ها و جشن‌های کهن ایران امروز (نگرش و پژوهش مردم‌شناسختی). تهران: آگاه.
۱۵. سلیمانی‌نژاد مهرآبادی، ساغر و عبدالرضا سیف (۱۳۹۵). «بررسی اسطوره و انواع آن در شعر معاصر (با نگاهی به شعر موسوی گرمارودی)». پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت. س. ۵. ش. ۱. صص ۳۸-۱۹.
۱۶. سنگری، محمدرضا (۱۳۹۵). از نتایج سحر. تهران: سوره مهر.
۱۷. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». خرد و کوشش. ش. ۱۱ و ۱۲. صص ۹۶-۱۱۹.
۱۸. شمیسا، سیروس (۱۳۸۹). انواع ادبی. تهران: میترا.
۱۹. صورتگر، لطفعلی (۱۳۴۷). ادبیات توصیفی ایران. تهران: اکونومیست.

۲۰. عباسی، جعفر؛ مرادعلی واعظی و ابراهیم محمدی (۱۳۹۹). «نمود ایدئولوژی در لایه‌های بلاغی و زبانی شعر آیینی معاصر در سه دهه اخیر». *فنون ادبی*. س. ۱۲. ش. ۴. صص ۱۵۳-۱۷۴.
۲۱. فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
۲۲. کمالی نهاد، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «فضاسازی شاعرانه در دو مجموعه شعر موسوی گرمارودی (تا محراب آن دو ابو و برآشتن گیسوی تاک)». *نشریه پویش در آموزش علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان*. ش. ۱۸. صص ۸۹-۱۰۰.
۲۳. کمالی نهاد، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، محسن و جلیل مشیدی (۱۳۹۳). «تحلیل اخوانیات موسوی گرمارودی و فضاسازی شعری ایجادشده با آن‌ها». *بهار ادب*. س. ۷. ش. ۱. صص ۱۶۷-۱۸۲.
۲۴. مشتاق‌مهر، رحمان و سردار بافکر (۱۳۹۵). «شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی». *پژوهشنامه ادب غنایی*. ش. ۲۶. صص ۱۸۳-۲۰۲.
۲۵. مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۹۴). *شعر و ادب فارسی*. تهران: زرین.
۲۶. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸). *گوشواره عرش، مجموعه کامل اشعار آیینی*. تهران: سوره مهر.